



برای دریافت پاسخنامه سوالات به سایت زیر مراجعه  
فرمایید

[www.20shoo.ir](http://www.20shoo.ir)

کلیه حقوق مادی و معنوی این سوالات متعلق به گروه آموزشی  
بیست و نو می باشد و کپی برداری و استفاده بدون ذکر  
منبع از لحاظ شرعی و قانونی مجاز نمی باشد



[20shoo.ir](https://www.instagram.com/20shoo.ir)

Instagram



[@ir20shoo](https://t.me/ir20shoo)

telegram



## درس چهارم

۱- عین ما فيه اسم التفضیل موصوفاً:

- ۱) السابقون الأولون من المهاجرين و الانصار ... رضی اللہ عنهم و رضوا عنه.
- ۲) خیر الناس انفعهم للناس و اقلهم مدهنة.
- ۳) الدنيا السفلى تأمرنا الى اللهو و اللعب.
- ۴) خیر ينقص المال افضل من شر يقبل الكمال.

۲- توکل علی الله فی کل الأمور لانه خیر مساعد للوصول إلى الغایة

- ۱) در تمام امور توکل کن زیرا خداوند بهترین یاورت برای نزدیک شدن به موفقیت است!
- ۲) توکل کردن به خدا در تمام کارها بهترین همراه برای رسیدن به هدف است!
- ۳) در همه کارها بر خداوند توکل کن زیرا بهترین یاریگر برای رسیدن به هدف است!
- ۴) بهترین کمککننده برای دستیابی به پیروزی توکل کردن به خدا در تمام امور است!

۲- سنجابی را در جنگل مشاهده کردم که آن سنجاب از درختی به درختی می‌پرید!

- ۱) رأیت سنجاباً فی الغابة. السنجاب يقفز من الشجرة إلى الشجرة!
- ۲) شاهدت السنجاب فی الغابة الذى يقفز السنجاب من شجرة إلى شجرة!
- ۳) شاهدت سنجاباً فی الغابة يقفز السنجاب من شجرة إلى شجرة!
- ۴) رأیت سنجاباً فی الغابة التى يقفز هذا السنجاب من الشجرة إلى الشجرة!

۲- أدعُ إلى سبیل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي أحسن

- ۱) پروردگارت تو را به دانش و اندرز نیکو فرا می‌خواند پس با آنان به بهترین شیوه گفت‌وگو کن!
- ۲) به راه پروردگارت با علم و نصیحت خوب بخوان و با آنها به روشی بهتر ستیز کن!
- ۳) با دانش و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به روشی که بهتر است ستیز کن!
- ۴) با علم و اندرزی خوب به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به بهترین شیوه گفت‌وگو کن!

۵- تتعلم من الكتب التى يؤلفها العلماء؛ أن للمتعم أن للمتعلم فى محضر المعلم آداب منها ألا يعصى أوامر المعلم و يصبر حتى يفرغ من الكلام:

- ۱) از کتاب‌هایی که دانشمندان آنها را تألیف کرده‌اند یاد می‌گیریم که یادگیرنده را در حضور معلم آدابی است که نباید از دستورات معلم سرپیچی کند و صبر کند تا سخن گفتن او تمام شود!
- ۲) از کتاب‌هایی که علما آنها را تألیف می‌کنند یاد می‌گیریم که در حضور معلم یادگیرنده آدابی دارد از جمله اینکه از دستورات معلم سرپیچی نکند و صبر کند تا از سخن گفتن فارغ شود!
- ۳) از کتاب‌هایی که دانشمندان آن را تألیف می‌کنند یاد گرفتیم که برای یادگیرنده در محضر معلم آدابی است از جمله اینکه از اوامر معلم سرپیچی نکند و تا سخن گفتنش تمام نشده صبر کند!
- ۴) کتاب‌هایی که دانشمندان آن را تألیف می‌کنند به ما می‌آموزد که متعلم در محضر معلم باید آدابی را رعایت کند از جمله اینکه از اوامر او پیروی کند و صبر کند تا سخن گفتن او تمام کند!

۶- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) اشتریت الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ بِأَسْعَارِ غَالِيَةٍ مِنْ مَتَجَرٍ: طلا و نقره را با قیمت‌های گران از مغازه‌ای خریدم.  
 ۲) لَدَى زَمِيلَةٍ ذَكِيَّةٍ قَفَزْتُ مِنَ الصَّفِّ الثَّانِي إِلَى الصَّفِّ الرَّابِعِ: همکلاسی باهوشی دارم که از کلاس دوم به کلاس چهارم جهش کرد!  
 ۳) كُنْتُ أَلْعَبُ دُورِي بِمَهَارَةٍ خَاصَّةٍ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ: نقشم را با مهارت خاصی در این صحنه بازی می‌کنم!  
 ۴) شَجَعْتُ صَدِيقِي بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ تَقْوِيَةِ الذَّاكِرَةِ: دوستم را به خواندن کتاب‌هایی پیرامون تقویت حافظه تشویق کردم.

۷- مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ

- ۱) هر مسلمانی که نهالی می‌کارد بی‌شک برای او صدقه داده می‌شود!  
 ۲) هیچ مسلمانی نیست که نهالی را بکارد جز آنکه برای او صدقه‌ای در نظر گرفته می‌شود!  
 ۳) هر که از مسلمانان نهالی بکارد قطعاً برای او با آن صدقه‌ای خواهد بود!  
 ۴) هیچ مسلمانی نیست که نهالی را می‌کارد مگر برایش با آن صدقه‌ای باشد!

۸- عَيْنُ الَّذِي الْمَعَارِفُ فِيهِ أَقْلٌ:

- ۱) کانت مکتبه «جندی سابور» فی خوزستان اکبر مکتبه فی العالم القديم!  
 ۲) التَّعَنَّتْ طَرَحَ سُؤَالَ صَعْبٍ يَهْدَفُ إِجْرَادَ مَشْقَةٍ لِلْمَسْئُولِ!  
 ۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!  
 ۴) رَأَيْتُ عَلِيًّا قَالًا لِلْمُعَلِّمِ: كَيْفَ أَنْجَحُ فِي الْحَيَاةِ!

۹- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ نَكْرَةٍ:

- ۱) كان الحكم في الفريق حسينا!  
 ۲) هَجَمَ لَاعِبٌ فِي الْمَلْعَبِ عَلَى الْمَرْمَى!  
 ۳) «أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا!»  
 ۴) «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»

۱- عَيْنٌ فِي الْعِبَارَاتِ إِسْمًا فَاعِلًا لَيْسَ مَعْرُفَةً.

- ۱) يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا. ۲) لِسَانُ الْمُقْمَرِ قَصِيرٌ. ۳) لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعُ رَحِمٍ. ۴) السَّلَامُ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.

۱۱- عَيْنُ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

«فرزندان ما در پی دوستانی هستند که با آنان راحت حرف بزنند و از چیزی نگران نباشند!»:

- ۱) إِنْ أَبْنَاءَنَا يَفْتَشُونَ عَنْ رِفْقَانِهِمْ لِيُحَدِّثُوهُمْ بِسَهُولَةٍ وَ لَا يَقْلِقُونَ مِنْ شَيْءٍ!  
 ۲) يَبْحَثُ أَبْنَاؤُنَا عَنْ أَسْدِقَائِهِمْ يَتَكَلَّمُونَ مَعَهُمْ بِرَاحَةٍ وَ لَا يَكُونُونَ قَلْقِينَ مِنْ شَيْءٍ!  
 ۳) يُفْتَشُ أَوْلَادُنَا عَنْ الْأَصْدِقَاءِ حَتَّى يَتَحَدَّثُوا مَعَهُمْ فِي رَاحَةٍ وَ لَنْ يَقْلِقُوا مِنْ شَيْءٍ!  
 ۴) إِنْ أَوْلَادُنَا يَبْحَثُونَ عَنِ الرَّفْقَاءِ الَّذِينَ يَتَكَلَّمُونَ مَعَهُمْ بِكُلِّ سَهُولَةٍ وَ لَنْ يَكُونَ قَلْقٌ مِنْ شَيْءٍ!

۱۲- لَمَّا دَخَلْتُ الصَّفَّ شَاهَدْتُ طَلَّابًا يَقُولُونَ: لَأَنْسَأَلَ مَعْلَمَنَا تَعْنَتًا أَبَدًا!

- ۱) هنگامی که وارد کلاس شدم دانش آموزی را دیدم در حالی که می‌گفتند: به هیچ عنوان از معلم برای مچ‌گیری سؤال نمی‌پرسیم.  
 ۲) درون کلاس دانش‌آموزانی را می‌بینم که می‌گویند: هیچ‌گاه برای مچ‌گیری از معلم‌مان سؤال نمی‌پرسیم.  
 ۳) زمانی که داخل کلاس شدم دانش‌آموزانی را دیدم که با یکدیگر که می‌گویند: از معلم‌مان نباید با حالت مچ‌گیری سؤال بپرسیم!  
 ۴) هنگامی که به کلاس وارد شدم دانش‌آموزانی را دیدم که می‌گفتند: هرگز نباید از معلم‌مان برای مچ‌گیری سؤال بپرسیم!

۱۲- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي فِيهَا الْجُمْلَةُ الْوَصْفِيَّةُ:

- ۱) فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ وَ كَادَ الشَّابُّ يَغْرُقُ.  
 ۲) طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمَنَعَهُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمُعَاصِي.  
 ۳) كَثُرَتْ خِيَانَتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا، هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ وَ أَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ.  
 ۴) أَعْطَنِي بِطَاقَةٍ بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَ عِشْرِينَ رِيَالًا.

۱۴ - عَيْن الصَّغَةِ جَمَلَةٌ :

- ① ظهرت أشعة الشمس المضيئة في السماء.  
 ② وقف الغزال في نقطة و هو يرقب الصياد.  
 ③ قرأت الكتب التي أخذتها من المكتبة.  
 ④ شاهدت في الغابة طيِّباً يعشق الجمال.

۱۵ - عَيْن جَمَلُهُ تَصِفُ مَفْعُولًا نَكْرَةً :

- ① الكتاب صديق ينقذك من مصيبة الجهل!  
 ② يعجبني عيد يفرح فيه الفقراء!  
 ③ سمعنا نداءً ينادينا للخير فاستجبنا!  
 ④ عصفت رياح شديدة فربت بيتا جنب شاطئ البحر!

۱۶ - عَيْن الخَطَا فِي مَفْهُومِ العِبَارَةِ التَّالِيَةِ :

«تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا فَإِنَّ المَرءَ مَجْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»

- ① تا مرد سخن نگفته باشد  
 ② عیب و هنرش نهفته باشد  
 ③ تا من لا تکلم لا یعرف: فإن للانسان مخفی تحت لسانه.  
 ④ ان الكلام معيار لمعرفة للانسان.  
 ⑤ آتیه يجب ان تکلم حتی لا تعرف.  
 ⑥ من لا یتکلم لا یعرف: فإن للانسان مخفی تحت لسانه.

۱۷ - عَيْن ما لَیْسَ فِيهِ المَعْرِفَ بِالْ :

- ① حديقته شاهزاده قرب کرمان جده في الصحراء.  
 ② رأيت تلاميذي حينما سافرت إلى مشهد.  
 ③ كانت للغابات مازندران أشجاراً كثيرةً.  
 ④ قبر كورش يجذب سائحاً من دول العالم.

۱۸ - عَيْن الأَنْسَبِ لِلجَوَابِ عَنِ التَّرْجَمَةِ أَوْ المَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى العَرَبِيَّةِ :

«هُوَلَاءُ الأَصْدِقَاءُ الأَوْفِيَاءُ لا يَكْذِبُونَ أبداً لِأَنَّهُمْ قَدْ عَوَّدُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى الصَّرَاحَةِ فِي الكَلَامِ» :

- ① این دوستان باوفا هرگز دروغ نمی‌گویند، زیرا آنان خود را به صراحت در سخن عادت داده‌اند!  
 ② این دوستان باوفا ابداً دروغ نمی‌گویند، برای این‌که آن‌ها به صریح گفتن خویش عادت کرده‌اند!  
 ③ این‌ها دوستان باوفایی هستند که هرگز دروغ نمی‌گویند، زیرا آنان به صراحت خود، عادت کرده‌اند!  
 ④ این‌ها دوستان باوفایند که ابداً دروغ نمی‌گویند، برای این‌که خودشان را به صریح گفتن، عادت داده‌اند!

۱۹ - عَيْن الجَمَلَةِ الوَصْفِيَّةِ :

- ① رأيت طفلاً و هو ينظر إلى هذه الصخرة العظيمة بدهشة.  
 ② رأيت التلميذة المسرورة و قد نجحت في المسابقات فرحةً.  
 ③ هؤلاء الطالبات المجتهدات شاركن في الحلقة.  
 ④ كانت المديرة تبحث عن فرد في المدرسة يجتهد في أعمال الخير.

۲۰ - عَيْن العِبَارَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ العَلَمِ :

- ① العنَبُ البَرَاذِلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنِ البَقِي أَشْجَارِ العَالَمِ، تَنْبُتُ فِي البَرَاذِلِ!  
 ② شَجَرَةُ السُّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ العَالَمِ فِي كَالِيفُورِنِيَا!  
 ③ شَجَرَةُ الخَبِزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزُرِ المَحِيطِ الهَادِي!  
 ④ شَجَرَةُ البَلَوَطِ هِيَ مِنَ الأَشْجَارِ المُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبَلَّغَ مِنَ العُمُرِ أَلْفَي سَنَةٍ!

۲۱ - عَيْن الأَمْحِ وَ الأَدَقِّ فِي الجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ: «يَجِبُ عَلَى الإنسانِ الأِجْتِنَابُ مِنْ ذِكْرِ الأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا إِحْتِمَالُ الكِذْبِ».

- ① واجب است بر انسان دوری کردن از ذکر سخنهایی که احتمال دروغ در آن زیاد است.  
 ② انسان باید از سخنی که احتمال دروغ در آن است، پرهیزد.  
 ③ واجب می‌شود پرهیز کردن از یادآوری سخنانی که در آن احتمال دروغ باشد.  
 ④ انسان باید از ذکر گفته‌هایی که در آن احتمال دروغ است، پرهیزد.

۲۲ - عَيْنِ الْأَمْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

«أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ».

- ① به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!  
 ② به راه خدای خود به وسیله دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!  
 ③ دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هر چه نیکوتر است مجادله کن!  
 ④ فراخواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه‌ای بهتر مقابله کن!

۲۲ - عَيْنِ الْجُمْلَةِ الَّتِي جَاءَتْ بَعْدَ اسْمِ نَكْرَةٍ مَرْفُوعَةٍ:

- ① سافرتُ إِلَى الْقَرْيَةِ شَاهَدْتُ صُورَتَهَا أَيَّامَ الصَّغَرَى!  
 ② وَحَدَّثْتُ بَرْنَامَجًا يَسَاعِدُنِي فِي تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ!  
 ③ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةً لِاتِّدْرِكِ!  
 ④ مَتَكَلَّمْتُ يَعُودُ لِسَانَهُ كَلَامًا يَقْتَتِعُ الْمَسْتَمْعِينَ!

۲۲ - عَيْنِ مَا لَيْسَتْ فِيهِ جُمْلَةٌ وَصَفِيَّةٌ:

- ① جَاءَ تَلْمِيزَانِ يَشْتَرِكَانِ فِي مَبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.  
 ② اشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ فِي الْمَسْجِدِ.  
 ③ رَأَيْتُ طِفْلًا فِي الْمَدْرَسَةِ يَلْعَبُ وَحْدَهُ.  
 ④ مُعَلِّمُنَا يُشَجِّعُنَا عَلَى آدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَنْزِلِيَّةِ.

۲۵ - «الضَّرُورَاتُ تُلْجِئُ الْإِنْسَانَ دَائِمًا إِلَى تَحْمَلِ الْأَعْمَالِ الصَّعْبَةِ حَتَّى يَوْفَرَ مَعَاشَ أَهْلِهِ!»:

- ① ضرورتها همواره انسان را به تحمل کارهای سخت وادار می‌کنند تا معاش خانواده خود را فراهم کند!  
 ② ضرورتها همواره انسان را به انجام کارهای مشکل ملزم نموده تا معاش خانواده‌اش فراهم شود!  
 ③ به ناچار انسان همواره کارهای سخت را تحمل کرده تا مایحتاج خانواده خود را فراهم کند!  
 ④ نیاز، انسان را همیشه به کارهای سخت مجبور می‌کند تا روزی خانواده‌اش مهیا گردد!

۲۶ - عَيْنِ الْخَطَا:

- ① لِجَمِيعِ الطَّلَابِ فِي مَحْضَرِ مَعْلَمِهِمْ آدَابٌ: لِجَمِيعِ الطَّلَابِ فِي مَحْضَرِ مَعْلَمِهِمْ آدَابِي وَجُودٌ دَارِدٌ.  
 ② إِنْ يَلْتَزِمُ كُلُّ طَالِبٍ بِهَا يَنْجَحُ: وَإِنْ هَرَّ دَانِشْ أَمُوزِي بِيه آن پاييند باشد موفق می‌شود.  
 ③ أَهْمَهَا أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمَعْلَمِ: مَهْمَشَانِ إِيْنِ اسْتِ كِه از دستورات معلم سرپیچی نکند!  
 ④ وَ أَنْ لَا يَقْطَعُ كَلَامَهُ وَ لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلَامِ: وَ سَخْنِ أَوْ رَا قَطْعِ نَكَنْدِ وَ دَرِ سَخْنِ كَفْتَنِ از او پیشی نگیرد!

۲۷ - عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا مَعَادِلٌ لِلْمُضَارِعِ الْإِنْتِزَامِي الْمُنْفَى فِي الْفَارْسِيَّةِ:

- ① فَعَلِينَا أَنْ نَتَبَعَدَ عَنِ الْعَجَبِ وَ أَنْ لَنْذَكُرَ غُيُوبَ الْآخِرِينَ!  
 ② إِنْ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْتَوُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ!  
 ③ يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَيَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاخْتِيَالِهِ!  
 ④ «...لَكَيْلَا تَخْزَنُوا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ...»

۲۸ - عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَعْرَفُ بِالْ:

- ① رَأَيْتُ فِي التَّجْفِ أَمْدَقَائِي بَعْدَ سِتِّ سَنَوَاتٍ.  
 ② لِتَلَامِيذِ آدَابٍ كَثِيرَةٍ وَ مُتَنَوِّعَةٍ.  
 ③ كِلَاهُمَا قَوِيَانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ.  
 ④ تَسْفُطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقَرْشِ دَائِمًا وَ تَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةٌ مَكَانَهَا.

۲۹ - عَيْنِ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

«سَخْنِ بَغْوِيِيدِ تَا شَنَاخْتِهْ كَرْدِيِدِ، زِيْرَا شَخْصِ دَرِ زِيْرِ زَبَانِشِ پَنَهَانِ شُدِهْ اسْتِ!».

- ① تَحَدَّثُوا تَعْرِفُوا فَالمرء مغبوء في لسانه!  
 ② تَكَلَّمُوا تَعْرِفُوا فَإِنَّ المرء مغبوء تحت لسانه!  
 ③ تَحَدَّثُوا كَي تَعْرِفُوا فَكُلَّ شَخْصٍ مَخْفَى مِنْ لِسَانِهِ!  
 ④ تَكَلَّمُوا حَتَّى تَعْرِفَنَّ لِأَنَّ كُلَّ شَخْصٍ مَخْفَى خَلْفَ لِسَانِهِ!

۲- عین ما لیس فیہ وصف جمله:

- ① شجره الخبز شجره الستوانیه تنمو فی جُرر المحيط الهادی.  
 ② تحتوی بذورها علی مقدار من الزيوت لا یُسبب اشتعالها.  
 ③ یوجد نوع منها فی مدينه نیکشهر بمحافظه سیستان و بلوچستان.  
 ④ شجره السکویا شجره من اطول اشجار العالم فی کالیفورنیا قد بلغ ارتفاعها اکثر من مئه متر.

۲۱- عین کلمه لاتناسب الکلمات الأخری فی المعنی:

- ① الأدویه - الحبوب - الوصفه ② بیع - شراء - سعر  
 ③ قمیص - سروال - فستان ④ العملاء - الموظفين - المعلمون

۲۲- عین جمله الوصفیه :

- ① من آمن و أنفق من أمواله الطیبه فی سبیل الحق نجا!  
 ② لا تشغل نفسك بأمر غیر مهمه فتغفل عما ینفعک و یهّمک!  
 ③ إن اللحم غذا مفید تُکثر فیہ مقادیر کثیره من البروتين!  
 ④ علی المرء أن يتواضع لمن علمه و يحاول أن یصبح أفضل منه!

۲۳- عین کلمه مناسبه لیجاد جمله وصفیه لعباره «نادیت ... یساعدنی علی تعلّم العربیه»

- ① محمداً ② تلاميذ ③ تلميذه ④ طالباً

۲۴- عین الصحیح عن نوعیه الکلمات:

«من خاف الناس من لسانه فهو من أهل النار»

- ① خاف: فعل ماضٍ - ليس له حرف زائد/ فعل شرط  
 ② لسان: اسم - مفرد مذکر - اسم فاعل/ مجرور بحرف الجر  
 ③ أهل: اسم - مذکر - اسم تفضیل/ مجرور بحرف الجر  
 ④ النار: اسم - مفرد - اسم فاعل/ مضاف إليه و جواب الشرط جمله «فهو من أهل النار»

۲۵- عین الخطأ فی المحل الإعرابی للکلمات التي تحتها خط:

- ① الْمَسْكُ عَطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِرْلَانِ: ليس له فاعل  
 ② تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ: فاعل و مرفوع  
 ③ خَيْرَ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ ذَلَّ: خبر  
 ④ سَجَلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ: مفعول و منصوب

۲۶- عین عبارة توجّد فیها جمله وصفیه:

- ① أعطاه عهداً و قولاً بأن یفعل شيئاً.  
 ② لأن یبغها بدون وصفه غیر مسفوح.  
 ③ فی کل سنه نذهب إلى بیت جدی أسبوعاً كاملاً.  
 ④ علمنی خلقاً یجمع لی خیر الدنیا و الآخرة.

۲۷- كم جمله وصفیه فی الجملة؟ «اللهم اِنِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَاتَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ»

- ① اثنان ② ثلاثة ③ اربعة ④ خمسة

۲۸- عین العبارة التي ليست فيها جمله وصفیه:

- ① إته مكتشف أحدث إنقلاباً فی علم الطب!  
 ② أعودبك من قلب لا يخشع!  
 ③ فتشت عن كتاب مفید يرشدنا إلى طريق الخير!  
 ④ ماتقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله!

۲۹- عین الصحیح فی المحل الإعرابی للکلمات التي أشير إليها بخط:

«و قد بين علماء اللغه العربيه و الفارسيه أبعاد هذا التأثير في دراساتهم»

- ① مبتدا - مضاف إليه - صفت - مفعول - مفعول  
 ② فاعل - مضاف إليه - صفت - مفعول - مفعول  
 ③ فاعل - مضاف إليه - صفت - مفعول - مفعول  
 ④ فاعل - مضاف إليه - صفت - مفعول - مفعول

۴- عَيْنُ جُمْلَةٍ تُصِفُ النُّكْرَةَ:

- ① عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ فَحَزَبَتْ بُيُوتًا كَثِيرَةً.  
 ② سَمِعْنَا خَبْرًا مُؤَلِّمًا وَحَزَبْنَا كَثِيرًا.  
 ③ وَجَدْتُ مُحَمَّدًا يُسَاعِدُ النَّاسَ فِي الظُّروفِ الصَّعْبَةِ.  
 ④ عَلَيْكَ أَنْ تَخْتَارَ قَمِيصًا يُنَاسِبُكَ.

۴۱- عَيْنُ العبارةِ الَّتِي فِيهَا اسمُ العَلَمِ:

- ① ذَهَبَ الطَّالِبُ إِلَى مُعَلِّمِ الأَدبِ الفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ القَضِيَّةَ!  
 ② إِنَّ اللّٰهَ لَإِيْهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَقَارًا!  
 ③ أَقْرَأُ وَ رَبُّكَ الأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ!  
 ④ تَحْتَوِي بُدُورُهَا تِلْكَ الشَّجْرَةَ عَلَى مِقْدَارِ مِنَ الزَّيْتِ.

۴۲- عَيْنُ «المبتدأ» يَخْتَلِفُ عَنِ الباقِي فِي المَعْرِفَةِ وَ النُّكْرَةِ:

- ① «عَالِمٌ يُتَفَقَّحُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!»  
 ② لِإِيرَانَ تَجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النِّقْطِ عَبْرَ الأَنْبِيِبِ سَالِمَةً!  
 ③ لِلكَلَامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى المُتَكَلِّمِ!  
 ④ آسِيَا أَكْبَرُ مِنْ أوروپَا!

۴۳- عَيْنُ مَا جَاءَ فِيهَا مُعْرَفٌ بِ «أَل»:

- ① مَا أَجْمَلَ مَطَارَ مَدِينَةِ النَّجَفِ!  
 ② لِي أَنَا مِنَ الكُوَيْتِ. أَنْتَ مِنَ بَاسْتَانِ!  
 ③ هَلْ حَضَرْتِكَ مِنَ العِرَاقِ؟  
 ④ رَأَيْتِ التَّلَامِيذَ حِينَمَا سَافَرْتُ إِلَى مَشْهَدِ.

۴۴- عَيْنُ مَا، جَاءَتْ فِيهِ جُمْلَةٌ وَصْفِيَّةٌ:

- ① النَّدَمُ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الكَلَامِ!  
 ② لِلسَّانِ القِطُّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تَفَرُّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا!  
 ③ «و ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ»  
 ④ لَا أَضِلُّكَ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ!»

۴۵- « تَبَادُلُ المُعْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي العَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ، يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الأَسْلُوبِ وَ النِّيَانِ»:

- ① تَبَادُلُ وَاِثْرَانِ بَيْنَ زَبَانِهَا فِي جِهَانِ أَمْرِي طَبِيعِيٌّ اسْتِ كِهْ أَنَهَا رَا فِي شِيُوِهْ وَ بِيَانِ غَنِي مِي سَازَدِ.  
 ② تَبَادُلُ لُغَاتِ بَيْنَ هَمَّةِ زَبَانِهَا فِي جِهَانِ أَمْرِي طَبِيعِيٌّ اسْتِ كِهْ أَنَهَا رَا فِي اسْلُوبِ وَ بِيَانِ غَنِي مِي سَازَدِ.  
 ③ تَبَادُلُ وَاِثْرَانِ بَيْنَ لُغَاتِ زَبَانِهَا فِي جِهَانِ أَمْرِي طَبِيعِيٌّ اسْتِ كِهْ أَنَهَا رَا فِي اسْلُوبِ وَ بِيَانِ غَنِي مِي سَازَدِ.  
 ④ تَبَادُلُ وَاِثْرَانِ بَيْنَ آنِ لُغَاتِ فِي جِهَانِ كَارِي طَبِيعِيٌّ اسْتِ كِهْ أَنَهَا رَا فِي شِيُوِهْ وَ بِيَانِ ثِرُومَنَدِ مِي سَازَدِ.

۴۶- عَيْنُ جُمْلَةٍ تُصِفُ مَا قَبْلَهَا:

- ① اللّٰهُمَّ اعُوذْ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تُشْبِعُ  
 ② سَافَرْتُ إِلَى القَرْيَةِ الَّتِي شَاهَدْتُ صُورَتَهَا أَيَّامَ صَغِيرِي  
 ③ الأَخِ الصَّدِيقِ يَنْقِذُكَ مِنْ مَصِيبَةِ الجَهْلِ  
 ④ قَلِ الحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مَرًّا

۴۷- عَيْنُ مَا جَاءَ فِيهَا مُعَادِلٌ لِلْمُضَارِعِ الالْتِزَامِي المُنْفِي فِي الفَارِسِيَّةِ:

- ① لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ...  
 ② أُولَئِكَ يَتَلَوْنَ البُرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...  
 ③ أُولَئِكَ يَتَلَوْنَ البُرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...  
 ④ عَلَيَّ اللّٰهُ فَلْيَتَوَكَّلِ المُؤْمِنُونَ

۴۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ نَوْعِيَةِ الكَلِمَاتِ:

«لَنْ تَتَالَوْا البُرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...»

- ① تَتَالَوْا: فَعْلٌ مُضَارِعٌ - لَهُ حَرْفُ زَائِدٍ - يَحْتَاجُ إِلَى المَفْعُولِ  
 ② البُرِّ: اسْمٌ - مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ - مَعْرِفَةٌ (أَل) / مَفْعُولٌ  
 ③ تُنْفِقُوا: فَعْلٌ مُضَارِعٌ - لَهُ حَرْفُ زَائِدٍ مُصَدَّرٌ عَلَى وَزْنِ إِفْعَالٍ - لِيَحْتَاجُ إِلَى المَفْعُولِ  
 ④ تُحِبُّونَ: فَعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلْمُخَاطَبِينَ (دَوْمٌ شَخْصٌ جَمْعٌ) - لِيَحْتَاجُ إِلَى المَفْعُولِ

۴۹- عَيْنُ العبارةِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا المَعْرِفَةُ:

- ① أَيْ تَلْمِيذٌ صَغِيرٌ يَذْهَبُ بِسُرْعَةٍ؟  
 ② سَرِخَ رَجُلٌ مُحْتَقِرٌ وَ مَا وَقَعَ شَيْءٌ.  
 ③ شَاهَدَ مُعَلِّمٌ تَلْمِيذَ كَسَلَانَ فِي شَارِعٍ.  
 ④ لِلكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُتَكَلِّمٍ أَنْ يَعمَلَ بِهَا.

۵- «يحتاج شبابنا إلى نماذج مثاليّة في العلم و العمل حتّى يُهدوا إلى الصّراط المستقيم و يبتعدوا عن الضّلالة!»:

- ۱) جوانان به نمونه‌های علمی و عملی برتری نیاز دارند تا به راه صحیح هدایت شده از گمراهی دور شوند!
- ۲) احتیاج جوانان ما در علم و عمل به نمونه‌های برتر است تا راه درست را پیدا کنند و از ضلالت دور بمانند!
- ۳) نیاز جوانان ما به نمونه‌هایی برتر در علم و عمل است تا به صراط مستقیم هدایت کرده از ضلالت دوری کنند!
- ۴) جوانان ما در علم و عمل به نمونه‌هایی برتر احتیاج دارند تا به راه مستقیم هدایت شوند و از گمراهی دور گردند!

۵۱- ای جواب أكثر مناسبة لمفهوم هذه الآية : «يا أيها الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ»

- ۱) سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر او / علمی که ره به حق ننماید جهالت است
- ۲) وَ لا تَقْفُ ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
- ۳) از واعظ غیر مُتَعَبِ پند شنیدن / چون قبله‌نما ساختن اهل فرنگ است
- ۴) لا تَقُلْ ما لا تَعْلَمُ بَلْ لا تَقُلْ كَلِّمَ ما تَعْلَمُ

۵۲- عین الصفة جملة:

- ۱) قد احتفظ المسلمون بهذا النشاط العلمی قروناً طویله!
- ۲) يمتاز هذا القارئ عن سائر زملائه بصوته الجميل!
- ۳) كل واحد في المجتمع يقوم بعمل ينفع الناس كلهم!
- ۴) وصلنا متأخرين فلم نجد مكاناً مناسباً للجلوس!

۵۳- عین الجملة التي تصف نكرة:

- ۱) ناديت محمداً يساعدي على تعلم العربية!
- ۲) عصفت رياح شديدة في محافظة مازندران خربت بيتاً جنب شاطئ البحر!
- ۳) «و ما تَفْعَلُوا من خير يَعْلَمُهُ اللَّهُ»
- ۴) في أي جملة كان الطالب يستمعون إلى كلام أستاذ الكيمياء؟

۵۴- عین الصحيح عن نوعية الكلمات و المحل الاعرابی:

«المفردات الفارسية دخلت اللغة العربية منذ العصر الجاهلي»

- ۱) المفردات: اسم، جمع سالم للمؤنث، اسم مفعول من مصدر تفرّد / مبتدا
- ۲) دخلت: فعل ماضٍ، للغائبة (سوم شخص مفرد) ليس له حرف زائد / خبر
- ۳) العربية: اسم، مفرد مؤنث، معرف بال / مفعول
- ۴) الجاهلي: اسم مفرد مذکر، اسم فاعل من مصدر تجاهل / صفة

۵۵- عين الخطأ عن التحليل الصرفي و المحل الاعرابی:

«إن من شرّ عباد الله من تكره مجالسته لفحشه»

- ۱) شرّ : اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضيل - مجرور به حرف جرّ
- ۲) عباد : اسم، جمع (مفرد عبد)، مذکر - مضاف اليه
- ۳) تكرة : فعل مضارع، مفرد، مؤنث، من باب الافعال، مجهول
- ۴) مجالسة : اسم، مفرد، مؤنث، اسم مفعول من باب المفاعلة

۵۶- عین الجملة الوصفية تصف الفاعل:

- ۱) أجد برنامجاً يساعدني على تعلم العربية
- ۲) عصفت رياح، شديدة و خرب بيتاً اشترينا، في السنة الماضية
- ۳) يعجبني استاذٌ يدرس به طرق مبتكرة
- ۴) للكلام آدابٌ يجب على المتكلم أن يعمل بها!

۵۷- عین عبارة لم يوصف فيها اسم نكرة:

- ۱) رأيت محموداً يذهب إلى المكتبة!
- ۲) هؤلاء طلابٌ يدرسون اللغة العربية!
- ۳) إن لكم درساً في هذا الكتاب يبين أسلوب الوصف!
- ۴) من المؤمنين رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله عليه!



۵۸- هؤلاء الجنود لا ينسحبون رغم أن الأعداء كانوا قد روعوهم:

- ① این سربازان علی‌رغم اینکه دشمنان آنها را ترسانده بودند عقب‌نشینی نمی‌کنند!  
 ② اینان سربازانی هستند که علی‌رغم ترساندن دشمن عقب‌نشینی نمی‌کنند!  
 ③ اینها سپاهیان‌اند که با اینکه دشمنان آنها را می‌ترسانند عقب‌نشینی نمی‌کردند!  
 ④ این سپاهیان با اینکه دشمنان آنها را ترسانده بودند عقب‌نشینی نمی‌کردند!

۵۹- عَيْنَ الوَصْفِ جملَةً:

- ① قال سَعْدِيُّ مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ تَأْتِي!  
 ② «وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ»  
 ③ أَفْتَشُّ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ!  
 ④ سَافَرْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ شَاهِدَتْ صُورَتَهَا أَيَّامَ صِغَرِي!

۶- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ:

«اسْتَلِمَ الْأَدْوِيَةَ فِي الصَّنِيدَلِيَّةِ الَّتِي فِي نَهَائِهِ مَمَرٌ الْمُسْتَوْصَفِ»

- ① اسْتَلِمَ: فعل أمر - للمخاطب (دوم شخص مفرد) - له حرفان زائدان  
 ② الْأَدْوِيَةُ: اسم - جمع مكسر أو تكسير مفرد «دا» / مفعول  
 ③ مَمَرٌ: اسم - مذکر - اسم مكان / مجرور بحرف الجر  
 ④ الْمُسْتَوْصَفِ: اسم - مفرد - اسم مكان / مفعول



WWW.20SHOO.IR